



مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

بررسی دسته‌بندی رنگ و تأثیرات روانی آن

پوهنوال سید رسول سادات^۸

تقریظ دهنده: پوهاند محمد عالم فرهاد

چکیده

بشر قادر به تمیز و تشخیص رنگ‌های بسیاری توسط بینایی خود می‌باشد لیکن از دیر زمان این موضوع مطرح بوده است که در واقع انسان‌ها رنگ‌هایی را که می‌بینند به چه نام‌هایی می‌شناسند. در این راستا مهم‌ترین تحقیقات انجام شده و مطالعاتی صورت گرفته است. جوامع پیشرفته‌ی انسانی اغلب رنگ‌ها را در چند گروه اصلی دسته‌بندی و شناسایی کردند که شامل سفید، سیاه، سرخ، سبز، آبی، زرد، نارنجی، و بنفش می‌باشد. هدف از این مقاله آشنایی با مفهوم نام‌گذاری و دسته‌بندی رنگ و بررسی آزمایشات و نتایج ارائه شده در این ارتباط می‌باشد.

اصطلاحات کلیدی: رنگ سفید؛ رنگ سیاه؛ رنگ زرد؛ رنگ سرخ؛ رنگ آبی

Studying Of Color Classification And Its Psychological Effects

Associate Prof: Sayed Rasuol Sadat

Abstract

Human beings are able to distinguish and neat more color by the sight, but this matter has been important that in fact human to see color and know the name of the colors? In this field the most important research has been done. In human society most of people divided the colors in original part that including: white, Black, Red, Green, Yellow, orange, Blue and purple. The result of this article is related to name and the faction of color and consider to experiment and result of production in this relation.

Keywords: White color; Black color; Yellow color; Red color; Blue color; Second color

ارجاع

سادات، سید رسول. (۱۳۹۸). بررسی دسته‌بندی رنگ و تأثیرات روانی آن. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۸۹ - ۱۰۴.

^۸استاد پوهنخی هنرهای زیبا، پوهنتون کابل

مقدمه

وقتی چشم باز می‌کنیم، بدون درنگ پدیده‌های را که مملو از رنگ‌های گوناگون می‌باشند در اطراف خود مشاهده می‌کنیم. حضور رنگ در جهان یک حقیقت است؛ چه بخواهیم و چه نخواهیم، در پیرامون ما وجود گسترده دارد.

رنگ و کیفیت رنگ‌ها، نخستین اکتشاف آفرینش‌گر بشر از استقرارش بر روی زمین است. از رنگ برای آیین دیوارهای محیط مسکونی، معابد، مغاره‌ها، خانه‌ها و تزیین تمام دست‌آورد‌های ساخته‌شده‌ی دستی‌شان، مانند: ظروف سفالین، پیکره‌ها و بت‌ها استفاده می‌کردند. بعدها برای پوشاک، فرش و همه آفرینش‌های دیگر خود نیز استفاده‌ی شایان از رنگ نموده‌اند و ارتباط هماهنگ، میان طبیعت بیرونی و زندگی درونی خود را با رنگ برقرار ساخته است. مبحث بررسی ویژگی‌های رنگ در مبانی ارتباطات بصری به علت گستردگی و وسعت آن خود مقوله‌ایست جدا و باید به تنهایی عنصر ویژگی رنگ و جنبه‌های گوناگون آن، در ارتباط با هنرهای بصری مورد تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد. از این رو در این مقاله سعی گردیده است تا اکثراً پیرامون بررسی ویژگی‌های کاربردی و روانی رنگ مورد بحث صورت گیرد.

گرچه پیرامون رنگ هنرمندان، دانش‌مندان و سایر قلم‌به‌دستان ابراز نظرهای داشته‌اند که تا اندازه‌ی نیازمندی‌های علاقمندان خوانش چنین مطالب را برآورده ساختند، اما از لحاظ تحلیل و توضیح همه‌جانبه از دید هنرمند در این مقاله به آن پرداخته شده است. خصوصاً انعکاس تحلیل و تجربه‌ها پیرامون شناخت رنگ و آخرین دست‌آوردها در این زمینه مسأله‌ی اساسی این مقاله را تشکیل می‌دهد. در این تحقیق که از روش توصیفی برمبنای کتاب‌خانه‌یی صورت گرفته به کتاب‌های علمی و هنری مراجعه نموده و از نگاهی رنگی مطالعه صورت گرفته است.

هدف تحقیق

هدف از تحریر این مقاله همانا پی‌بردن بیشتر و بهتر به رازهای پنهان و اسرارآمیز رنگ است زیرا شناخت آگاهانه آن کیفیت زندگی را در پیوند با زیبایی پدیده‌های طبیعت، تجلی بهتر و بیشتر بخشیده، در بلند بردن سطح فرهنگی و سلیقه‌ای مجموع یک جامعه نقش مهم را دارا می‌باشد.

سوالات تحقیق

۱. آیا رنگ‌های دسته اول و دوم در اثر آمیزش باهم به وجود می‌آید؟
۲. آمیزش‌های موجود در دسته اول و دوم رنگ چه تأثیرات روانی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. آیا رنگ‌ها تنها مربوط نقاشی می‌شود؟

۲. آیا رنگ‌ها صرف به محیط غیر نوری مربوط می‌باشد؟

۳. آیا رنگ‌ها صرف مربوط هنرمندان می‌باشد؟

پیشینه‌ی تحقیق

جهان بدون رنگ، فقط یک جهان درهم نیست، بلکه یک جهان خطرناک و غیر قابل پیش‌بینی است. در دهه‌ی ۱۹۶۰، انسان‌شناسان برلین تحقیق جهانی در مورد نام‌گذاری رنگ‌ها انجام دادند. آن‌ها دریافتند که در بسیاری از زبان‌ها تنها دو رنگ روشن (سفید) و تیره (سیاه) وجود دارد. از ۹۸ زبان مورد مطالعه‌ی آن‌ها، بیشترین تعداد اصطلاحات رنگ، در زبان انگلیسی یافت شد (یازده رنگ: سیاه؛ سفید؛ سرخ؛ نارنجی؛ زرد؛ سبز؛ آبی؛ بنفش؛ صورتی؛ خاکستری و قهوه‌ای). در نهایت میلیون‌ها رنگ دیگر از وجود مواردی چون آووکادو، انگور، هلو، طلا، برنز و غیره سرچشمه گرفته شد.

۳۵۰ سال قبل از میلاد ۱۵۰۰ بعد از میلاد فیلسوف بزرگ، ارسطو در قرن چهارم پیش از میلاد، رنگ آبی و زرد را مانند قطبیت‌هایی چون خورشید و ماه، مرد و زن، انبساط و انقباض، بیرون و درون، به عنوان رنگ اصلی دانست. علاوه بر این، او رنگ‌ها را با چهار عنصر آتش، آب، خاک و باد مرتبط می‌دانست و نظریه رنگ خود را با نگرستن به آسمان از طلوع تا غروب خورشید و رنگ‌هایی که در آسمان پدیدار می‌شد، ارائه داد.

در سال ۱۶۷۲م، نیوتن اولین مقاله خود در مورد رنگ‌ها را منتشر کرد و چهل سال بعد از نظریه‌ی opticks او، هنگامی که نیوتن نور سفید را به یک منشور تاباند، متوجه شد که طول موج نور در زاویه‌های مختلف انعکاس می‌یابد، به طوری که او می‌تواند مؤلفه‌های جداگانه‌ای از رنگ طیف (رنگین کمان) را ببیند. نیوتن با اتصال انتهای طیف (رنگ بنفش) به ابتدای طیف (رنگ سرخ)، اولین چرخه‌ی رنگ را ایجاد کرد.

یکی از بزرگ‌ترین مغزهای تاریخ، یوهانس ولفگانگ فون گوته بود که کاملاً با تفسیرهای نیوتن مخالف بود. نظریه‌ی رنگ‌های گوته که در سال ۱۸۱۰م نوشته شده بود استدلال می‌کرد که آزمایش‌های منشور نیوتن نشان می‌دهد که نور به رنگ‌های مالیکولی آن تقسیم می‌شود. او احساس کرد که اگر نظریه‌ی نیوتن درست باشد، پس باید نور سفید در هر شرایطی تقسیم شود، اما زمانی که

خودش نور سفید را به یک صفحه نمایش در اتاق تاباند، متوجه شد که نور در مرکز صفحه باقی می ماند و رنگ ها فقط در لبه ها ظاهر می شوند. این مشاهدات، او را به عقاید ارسطو بازگرداند و معتقد بود که آبی، اولین رنگی است که از تاریکی ظاهر می شود (و بیشتر در شب قابل مشاهده است) و زرد اولین رنگی است که از روشنایی ظاهر می شود. از این رو، درک ما از خورشید، رنگ زرد و از آسمان، رنگ آبی است. در حالی که مطالعات نیوتن به لحاظ علمی صورت گرفته بود، گوته بیشتر به اثرات روان شناختی رنگ ها علاقه داشت. او معتقد بود که شناخت واکنش انسان نسبت به رنگ ها مهم است و تحقیقاتش نشانگر آغاز روانشناسی های رنگ مدرن بود. با این وجود، تقریباً سه صد سال پس از نیوتن، هرچه بیشتر با رنگ کار می کرد، اساساً مربوط به ظاهر بود و منجر به پیشرفت های زیادی در هنر شد. در همان زمان، یکی دیگر از محققان تیوری رنگ، فیلیپ اتو رانگ، یک مدل سه بعدی از رنگ ها را در قالب یک گره نشان داد. تلاش او برای مرتب کردن رنگ ها بر اساس نما و ارزش آن ها بود که رویکردی انقلابی در آن زمان شد. در قرن نوزدهم، سرعت درک رنگ ها به طور چشم گیری افزایش یافت.

در سال ۱۸۷۲ یک فیزیک دان اسکاتلندی به نام جیمز کلرک مکسول، از مطالعاتش درباره ی نظریه ی الکترومغناطیس نور، نموداری به شکل یک مثلث (بسیار شبیه به نظریه ی گوته) ارائه داد. او رنگ سرخ، آبی و سبز را به عنوان رنگ های اصلی انتخاب کرد که به اعتقاد او با این سه رنگ می توان تمام رنگ های شناخته شده در این نمودار را تولید کرد. عبارت "رنگ اصلی" به معنای رنگ های مختلف در زمینه های مختلف است. هنگام مخلوط کردن رنگ دانه ها، رنگ های اصلی ای که استفاده می شود سرخ، آبی و زرد هستند، برای مثال مخلوط آبی و زرد، سبز می شود. در قرن بیستم، علاقه ی افراد به رنگ ها بیشتر شد. هنر رنگ درمانی دوباره متولد شد و امروزه حتی پزشکان از رنگ ها به عنوان بخش روزمره ی کار خود نیز استفاده می کنند.

رنگ چیست؟

"رنگ اصلی" به معنای رنگ های مختلف در زمینه های مختلف است. هنگام مخلوط کردن رنگدانه های رنگ های اصلی ای که استفاده می شود، سرخ، آبی و زرد هستند. برای مثال مخلوط مساوی آبی، زرد و سبز می شود؛ مخلوط مساوی سرخ و آبی، بنفش و مخلوط مساوی سرخ و زرد، نارنجی می شود. در قرن بیستم، علاقه ی افراد به رنگ ها بیشتر شد. هنر رنگ درمانی دوباره متولد شد و امروزه حتی پزشکان از رنگ ها به عنوان بخش روزمره ی کار خود نیز استفاده می کنند.

رنگ از نظر علمی، عبارت از اثری است که در روی جسم از طریق انعکاس انوار، به وسیله‌ی اجسام احساس می‌شود (سلام، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

انسان تمامی دانش و تجربه‌ی خود را در جهان هستی به وسیله‌ی دو عنصر «شکل و رنگ» کسب می‌کند و اشیاء موجود در طبیعت ابتدا توسط رنگ و شکل شناخته می‌شود و این دو عنصر از طریق چشم به مغز انتقال یافته، قابل درک می‌گردد. هرگونه تحریکات رنگی که توسط چشم دریافت می‌شود، علاوه به واکنش‌های احساسی و روانی، واکنش‌های فیزیکی را نیز در بر دارد. انسان دانسته و یا ندانسته به رنگ‌های موجود در طبیعت و یا هنر نوع رنگ دیگر در اطرافش، واکنش نشان می‌دهد. برای مثال، با مشاهده‌ی رنگ‌های ویژه، تنظیم‌کننده‌های سیستم عروقی، نبض، فشار خون، سیستم عصبی و حتی انقباض و انبساط ماهیچه‌های بدنش تغییر می‌کند. بسیاری از انسان‌ها وقتی در فضای نورانی با رنگ‌های روشن قرار می‌گیرند، احساس راحتی بیشتری دارند، در حالی که گروه دیگر از فضای تاریک و رنگ‌های تیره لذت می‌برند. از لحاظ احساسی و روانی انسان‌ها در برابر اثرات رنگ‌ها واکنش‌های متفاوتی ابراز می‌دارند (نامی، ۱۳۷۸، ص ۸۱).

عضو بینایی ما دارای عصب خاص است که علاوه بر دیگر کارآمدها، می‌تواند تأثیرات ناشی از نور را منتقل کند. این عصب بینایی نسبت به تغییرات رنگ بسیار حساس است و هر تغییر رنگ را یک به یک ثبت کرده و به مغز انتقال می‌دهد. ما به عملکرد این عصب بینایی می‌توانیم اشیاء را که در برابر نور قرار دارند، با رنگ مربوطه‌ی آن ببینیم. وقتی که در نور معمولی به یک سطح سیاه رنگ، نگاه می‌کنیم، عصب مذکور استراحت می‌کند (پارمون، ۱۳۷۵، ص ۴۱).

اصلاً نور سفید خورشید، منشاء همه رنگ‌های موجود در طبیعت است در سال ۱۶۶۶ میلادی دانشمند معروف انگلیسی Ezek Neuten نور خورشید را توسط منشور تجزیه کرد و در نتیجه هفت نوع رنگ به دست آمد که مجموع آن‌ها را طیف خورشید نام نهاد. رنگ‌های طیف به ترتیب عبارت اند از: سرخ، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش است که ترکیب نوری و یک‌جا ساختن همه‌ی آن‌ها با یک دیگر به طور متعادل ایجاد نور سفید می‌کند. هیچ چیزی در جهان ذاتاً رنگی نیست بلکه نور باعث ایجاد رنگ در اشیاء است و به این ترتیب وقتی که نور به جسم می‌تابد، جسم متناسب با ویژگی‌های خود ضمن جذب همه رنگ‌های طیف، یک رنگ را منعکس می‌کند و چشم آن را گرفته، توسط سیستم عصبی به مغز منتقل می‌کند و جسم با آن رنگ شناسایی پیدا می‌کند. بنابراین، زمانی که یک جسم مثلاً سبز معلوم می‌شود، خود جسم سبز نیست، بلکه این نور است که باعث سبز شدن جسم می‌گردد (نامی، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

اولین مطالعه‌ی در باره‌ی رنگ و شکل را جیوتو (Geoto) نقاش ایتالیایی در قرن سیزده میلادی انجام داد و در قرون چهارده، پانزده و شانزده میلادی مورد قبول علما و هنرمندان دیگر نیز قرار گرفت. اوژن دلاکروای انگلیسی، گوته آلمانی، واسیلی کاندیسکی روسی و نقاشان امپرسیونیستی، مطالعات زیادی را در مورد رنگ انجام داده‌اند.

دسته‌بندی رنگ‌ها

رنگ‌ها و تأثیرات روانی آن‌ها از اوایل قرن نوزده به بعد، با مطالعات فراوانی که انجام شده، دانش بشر در زمینه‌ی شناخت ویژگی‌های رنگ و اثرات روانی و فیزیکی آن بر انسان، فزونی یافته است. یکی از آزمایش‌های که در زمینه‌ی تأثیرات روانی رنگ به عمل آمده، آن است که در یکی از کارخانه‌های بزرگ یکی از کشورها، که همه کارگران جعبه‌های فلزی سیاه‌رنگی را بر دوش حمل می‌کردند، معمولاً از سنگینی جعبه‌های مذکور شکایت داشتند، اما با تغییر رنگ جعبه‌های فلزی، از سیاه به سبز روشن، کارگران وزن جعبه‌ها را سبک‌تر احساس کرده و بدون شکایتی به کار ادامه می‌دادند. هم‌چنان حشرات و حیوانات نیز از تأثیرات روانی رنگ بدور نمی‌باشند، چنان‌که یکی از قصه‌های که واقعیت داشته است، به تجزیه گرفته شده بود و آن عبارت از دو گروه اسپه‌ی که در مسابقه شرکت داشتند، بعد از انجام مسابقه خسته و زله به طویله‌های شان که یکی رنگ سرخ و دیگری رنگ آبی داشت، برده شدند. در نتیجه اسپ‌های که به طویله‌ی آبی رنگ برده شده بودند، به‌زودی آرامش پیدا کردند ولی اسپ‌های که به طویله‌ی سرخ رنگ مربوط می‌شدند، تا مدتی چند آرامش پیدا نکرده بودند (نامی، ۱۳۷۸، ص ۸۲).

اشخاصی که از رنگ و تأثیرات روانی آن آگاهی دارند، معمولاً در رنگ لباس‌ها، اطاق‌ها و غیره موضوعات در فصول تابستان و زمستان متوجه این مسأله می‌باشند. همین قسم که انسان‌های گوناگون اند، رنگ‌ها هم متغییر بوده و تأثیرات متفاوتی بالای شان دارند. چنان‌چه دانشمند آلمانی گوته می‌گوید: (هر رنگ مشخص، ضربه‌ای معین به چشم وارد می‌کند و اندام را به مقابله بر می‌انگیزد (سلام، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

در اثر مطالعاتی که صورت گرفته، رنگ‌ها دارای خواص متعدد اند و یک امر صرفاً تزئینی و آرایشی نیستند بلکه در آثار هنری، کاربرد و انتخاب هر رنگ، نشان‌گر عمق اندیشه‌ی هنرمند نیز می‌باشند. کاربرد رنگ به خصوص در آثار هنری با اندیشه‌ی هنرمندان، ارتباط مستقیم دارد. هم‌چنان که در طبیعت نیز چنین است. برای القای آرامش، از رنگ‌های سرد و هم‌آهنگی رنگ‌ها استفاده می‌شود. آبی آسمانی با گسترده‌ی خود آرامش بخش است (فولادوند، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹). طور مثال، معمولاً

بعضی مردم که توان دارند در هنگام تابستان جهت آرامش و تفریح، در باغ‌ها و دره‌های سرسبز می‌روند و از فضای سرد آن‌جا لذت می‌برند.

تأثیر رنگ‌ها در انسان شدید و آنی نیست و با توجه به اثرات جزئی و انباشته شدن در مدت زمان طولانی آثار قابل توجهی را بر جای می‌گذارد و اگر فرد نتواند از تمامی رنگ‌ها و نورهای رنگ و تشعشعات آن‌ها بهره‌مند شود، دچار نوعی اختلال در رشد آن‌ها خواهد گردید. هرچه یک رنگ شدت بیشتری داشته باشد یعنی خالص‌تر باشد خودنمایی می‌کند، جلوه بیشتری دارد و دارای تحریک و پویایی بیشتری است. استفاده از رنگ‌ها با شدت بیشتر محیط را فعال‌تر و پر جنب و جوش‌تر نشان می‌دهد و بر هیجان محیط می‌افزاید. اما هرچه شدت رنگ محیط کم‌تری می‌شود از تحرك آن کاسته شده و خاموش‌تر به نظر می‌رسد و در نهایت که به سمت خاکستری میل پیدا می‌کند رنگ کاملاً خاموش، بی‌تحرك، ساکن و خنثی است. رنگ‌های تیره محیط را تاریک‌تر و کوچک‌تر نشان می‌دهند و برخلاف رنگ‌های روشن که بزرگ‌تر جلوه می‌کنند، محیط را روشن‌تر و پرنورتر جلوه می‌دهند.

در روان‌شناسی نوین «رنگ» و «رنگ‌ها» یکی از معیارهای سنجش شخصیت به شمار می‌آیند زیرا که هریک از آن‌ها تأثیر خاصی از نظر روحی و جسمی را در یک فرد باقی گذارده و رنگ نشان‌گر وضعیت روانی و جسمی وی می‌باشد. این موضوع با توجه به پیشرفت‌های دو دانش فیزیولوژی و روانشناسی به اثبات رسیده است.

ناگفته پیداست که انسان از روزگاران بسیار دور تاکنون تحت نفوذ و تأثیر رنگ‌های پیرامون خود بوده است و در صد سال اخیر که صنعت رنگ‌سازی به نقطه‌ی اوج تحول خود رسیده است، تأثیر مزبور دو چندان شده و در همه ارکان زندگی روحی ما رخنه کرده است. تا پیش از قرن نوزدهم، فقط تعدادی رنگ و مواد رنگی شناخته شده بودند که بیشتر آن‌ها ریشه داشتند و گران نیز بودند، فقط در صد سال اخیر بوده است که وضع یادشده سراپا دگرگون شد. امروزه هر چیزی را که بشر می‌سازد دارای رنگ است. هزارها رنگ از هر رنگ و نمایی که قابل تصور باشد، به وجود آمده‌اند و تقریباً برای هر منظوری، رنگ خاصی فراهم است. علاوه بر این که ما رنگ آبی آسمان، رنگ سرخ غروب آفتاب و رنگ سبز درختان و تمام رنگ‌های طبیعی را در اختیار داریم، اشیای ساخته شده به وسیله بشر، چراغ‌های نیون، تصاویر نقاشی، کاغذ دیواری‌ها و تلویزیون رنگی نیز پیوست همه را مسحور خود می‌سازد. این استفاده‌ی روزافزون از رنگ‌ها، همراه با رقابت فزاینده میان تولیدکنندگانی که مشتاق افزایش فروش محصولات خود هستند تحول زیادی را در زمینه‌ی

روان‌شناسی رنگ پدید آورده است. هرچند که وقتی این روان‌شناسی وارد صحنه‌ی بازاریابی می‌شود، بسیاری از پژوهش‌های آن، در معرض آزمون و خطا قرار می‌گیرند. مثلاً یک تولیدکننده‌ی شکر، می‌داند که نباید محصول خود را در بسته‌ی سبز رنگ عرضه‌کنند در حالی که زیبایی‌های یک شیشه‌ی دهن‌گشاد قهوه‌ای رنگ حاوی شکر مدت‌ها در قفسه می‌ماند تا به فروش برسد.

رنگ‌های طبیعت بر ما تأثیرگذارند و این آثار به گونه‌ای ژرف و اجتناب‌ناپذیر در جان و روح ما جای‌گزین شده است. هم‌چنان در مورد چیزهایی که خریداری می‌کنیم، از آزادی انتخاب، به کار بردن دوست‌داشتنی‌ها و غیر دوست‌داشتنی‌ها، سلیقه‌ها و سنت‌های مان برخورداریم. به خاطر همین ملاحظات است که یک تولیدکننده باید تحقیق کند تا مطمئن شود ما خریداران، جنس او را بر کالاها‌ی مشابه ترجیح می‌دهیم. درباره‌ی یک نقاشی یا یک عکس رنگی باید گفت که اهمیت روانی رنگ‌ها معمولاً کم‌تر آشکار است زیرا عوامل بی‌شمار دیگری نظیر موضوع، تعادل شکل یا فرم، تعادل میان رنگ‌ها، میزان تحصیل و تخصص تماشاگر و درک زیباشناسی او دست اندر کارند (بیستونی، ۱۳۳۷، ص ۵۱).

رنگ زرد

زرد، رنگی است که با توان پرتو افکنی زیاد، بیشتر پرتوهای دریافتی را باز تاب می‌کند. پرتوهای بازتابی آن به مثابه‌ی نیروهای نا دیدنی هستند که به چشم بیننده فرو می‌روند و او را از خود می‌راند و نمی‌گذارد از حدی فراتر رود و خود را کاملاً به (زرد) نزدیک کند. این‌گونه زرد بیننده را تهدید می‌کند. در افسانه‌ها آمده است که شاهان چین، رنگ زرد را به خود اختصاص داده بودند و به‌دیگر کسان مجاز نبود، زیرا در پوشش رنگ زرد کسی را یارای نزدیکی به شاهان و خانواده‌ی شان نبود. از این که رنگ زرد شدت قوی نوری دارد دفعتاً به چشم می‌خورد و بیننده زودتر متوجه آن می‌شود. (بونزها) مردان مذهبی بودایی نیز لباس زرد می‌پوشیدند تا از مردم گناه‌کار دور باشند. هم‌چنان شاهان کهن مشرق زمین، نیز به خاطر درامان بودن از توطئه دشمن، لباس زرد می‌پوشیدند (آیت الله، ۱۳۸۲). شدت نوری رنگ زرد نسبت به دیگر رنگ‌ها زیاد است روی این دلیل، فرایندگی و نیروی زیاد در آن احساس می‌شود. در بعضی حالات انسان را فعال و پر حرارت می‌سازد لیکن فعالیت بیرون از تعقل و حرارتی بدون منطق. انسان‌ها مداوم تحت تأثیر رنگ زرد قرار گرفته به زیاده‌روی نیروهایش گرایش دارند و این زیاده‌روی گاهی تا حد شکستن، خوردکردن و ویران کردن وسیله‌های در اختیار او عمل می‌کند. در بیمارستان‌های روانی کشورهای غربی، بیمارانی که زیاده‌رو و هیجانی باشند، از رنگ زرد، دورشان نگه می‌دارند.

رنگ زرد طینت انسان‌های پر حرارت، کاری و کمی تند مجاز است. این انسان‌ها می‌خواهند به اصطلاح مشهور، خود ببرند، بدوزند و بپوشند. پیش از آنکه در مورد بیندیشند، آن‌ها همیشه خندانند و می‌خندانند. زرد علاوه بر این با صداهاى موسیقی همبستگی و هماهنگی دارد در صدای زیر ویلن احساس رنگ زرد می‌شود. هم‌چنان بعضی‌ها احساس می‌کنند که، آواز بلبل و قناری زرد است و به طور کلی زرد، رنگی است آزاردهنده ولی وقتی یک‌دست باشد، شادی آفرین است. زرد، رنگ بیداری، هیجان، اضطراب و تلاطم فکری است. هرگاه چراغ خواب زرد باشد، به خصوص برای انسان‌های پرکار و فعال نامناسب است زیرا مانع استراحت شان می‌گردد.

زرد رنگ رسیدگی کشت‌زارهاست و نمودار نیروی فزون نهفته در دانه‌ها است. هرگاه رنگ زرد، با خط عمودی هم‌آهنگ می‌شود خط عمودی زرد تأثیر بیشتر دارد و خط افقی زرد بر عکس تأثیرهای خود را از دست می‌دهد، از فعالیت و ظغیانش کاسته می‌شود و آرام‌تر می‌گردد. مگر با رنگ زمینی که روی آن قرار می‌گیرد، حالت و بیان متفاوت پیدا خواهد کرد. البته رنگ پس منظر، در مورد یادشده، اهمیت خود را دارد، معمولاً یک رنگ در زمینه‌های متفاوت، حالات بیانی مختلف دارد. رنگ زرد در یک گستره یا یک زمینه، معمولاً در بالاترین محل قرار می‌گیرد زیرا سبک است و همیشه در صدد بیرون شدن از مرزهای زمینه می‌باشد. به‌طور خلاصه زرد، رنگ جوانی، عصیان و طاغوت است و تأثیر مداوم آن ایجاد اختلال‌های روانی می‌کند. هرگاه رنگ سفید با آن مخلوط گردد، کمی آرام می‌شود (آیت‌الله، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

زرد رنگ اخطار، توجه و نیز شادمانی است. رنگ آفتاب و گل نرگس است اما درخشندگی بیش از حد آن موجب خستگی می‌شود. اگر دیوار آپارتمانی، خالص با زرد رنگ شود، فضای بسیار سنگینی به وجود می‌آید. اما اگر آن رنگ تا ۵۰ فیصد روشن شود لیمویی جذابی به دست می‌دهد که روح‌بخش و صبح‌گونه می‌شود (جی‌وا، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

هم‌چنان حسینی‌زاده، در کتاب مبادی هنرهای تجسمی می‌نویسد: رنگ زرد خاصیت دوگانه دارد، از یک طرف جذاب و متحرک است و از طرف دیگر شکننده و بی‌دوام است. در حالت خلوص، نمادی از ذکاوت و دانایی است. مهاجم و انعطاف‌پذیر بوده، به سرعت خاموش می‌شود و از انرژی می‌افت (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹). معمولاً رنگ‌های زرد، نارنجی و سرخ عموماً رنگ‌های متمایل به رنگ ارغوانی سرخی دار، سبز زردی دار، رنگ‌های گرم محسوب می‌شوند، زیرا با شعله‌های آتش مشابهت دارند (سیدابوالقاسم، ۱۳۸۳، ص ۳۰۵).

رنگ آبی

آبی رنگی است آرام و درون‌گرا، بیننده را به سوی خود می‌کشاند و در درون، آرامش را فراهم می‌سازد. آبی رنگی است «فضایی» و گویی، خداوند آن را برای تسکین و آرامش ناراحتی‌ها، رنج‌ها، خستگی‌ها و نابسامانی‌های زندگی روزمره بر فراز کوهی خاکی آفریده است. چشم را به خود متوجه ساخته موجب تقویت چشم می‌گردد. طور مثال: آسمان آبی بر فراز زمین چشم را تقویت کرده و در اندیشه‌ی انسان رسوخ می‌کند. چنان‌چه از حضرت امام جعفر صادق (رح) روایت است که برای یکی از یاران شان می‌فرماید: ای مفضل! در رنگ آسمان تفکر کن که خداوند آن را به این رنگ آفریده است برای آن‌که موافق‌ترین رنگ‌ها برای چشم بشر است و نظر کردن به آن دیده را قوی می‌سازد (آیت الله، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

رنگ آبی خواب‌آور و تسکین‌دهنده‌ی هیجان‌های درونی است. آبی تیره، سکون مطلق و استراحت شبانه و آرام‌کننده‌ی هرگونه تحرک و هیجان است. خداوند شب را برای آرامیدن خلق نموده است. هرگاه آبی در شکل دایروی قرار گیرد، سبب تمرکز فکر و اندیشه می‌گردد. آبی اگر اندکی سبز شود در خود امکان فعالیت ایجاد می‌کند و اگر با سرخ همگون شود رنگ سنین بازنشستگی و پیری را نشان می‌دهد. آبی رنگی است مطیع و سربراه، سازش‌کار و زمانی که باخاکستری بگراید، رنگ زمستان و سردی را به خود می‌گیرد. موقعیت رنگ آبی در یک گستره در پایین‌ترین قسمت آن قرار دارد یعنی نسبت به رنگ زرد سنگین‌تر است.

به گفته‌ی «داکتر جی وا» آبی رنگ آسمان و دریا است و مانند سبز آرام بخش است. آبی قدرت‌مند است و از این جهت پس از سرخ قرار می‌گیرد. آبی روشن جوان و پرا انرژی است و به همین دلیل برای تجسم ورزش مناسب است اما آبی سبز و آبی سلطنتی، نشانه‌ی وقار و تحول می‌باشد آبی هم‌چنین رنگی نظافت و پاکیزگی است (جی وا، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

آبی رنگی است آرام، تفکربرانگیز، خون‌سرد، لطیف و پررمز و راز است و تأثیر آرامش‌بخشی روی سیستم عصبی دارد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹).

رنگ سرخ

رنگ سرخ نمایان‌گر توان و قدرت است متضاد رنگ سبز بوده هردو دارای نیروهای درون‌گرا و برون‌گرا بوده، در همزوری متقابل همدیگر اند. دیدن رنگ سرخ گاه‌گاه برای چشم ناراحت‌کننده و آزاردهنده می‌باشد. بعضاً احساس طعم شیرینی در سرخ دیده می‌شود. سرخ‌های متفاوت شیرینی‌های

متفاوت دارند. سرخ رنگ جوانی و به ثمر رسیده (۲۵ الی ۳۵) سالگی است. سرخ با کمی آبی، رنگ سنین (۴۵ تا ۵۰) سالگی را می‌رساند و هنگامی که با ارغوانی بگرایید رنگ نفاق و غرور و دورویی را نشان می‌دهد. سرخ پایان تابستان و آغاز خزان سال است. سرخ رنگ گرمی عشق و تشکیل خانواده است (آیت الله، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵).

بعضاً رنگ سرخ تیره را سرخ هم گویند این رنگ پرشور بوده، رنگ قلب و رنگ زبانه‌های آتش می‌باشد. سرخ سرخ نگاه را به خود می‌کشاند و به گردش خون سرعت می‌بخشد. اگر سرخ سرخ با کمی سفید ترکیب شود، رنگ صورتی را می‌دهد که رنگ احساس و رنگ شعر است. اگر اندک به آن نضواری مخلوط شود رنگ خرمایی و اشرافی ویژه‌ای خواهیم داشت (جی و ا، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

رنگ سرخ سرخ دارای شخصیت متکی به خود، مسلط به امور، نیرومند، فعال، پرتحرک، سرشار از حس زندگی، سرکش و هیجانی است. در عین حال می‌تواند آزاردهنده، محرک عصبانیت و آشفته‌گی آور باشد (کپس، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

هم‌چنان در بعضی حالات تأثیرات روحی رنگ نتیجه تداعی می‌باشد. مثلاً رنگ سرخ ممکن است سبب تداعی آتش شود زیرا آتش رنگ سرخ را در خود دارد. همین قسم سرخ سرخ سبب تداعی خون‌ریزی و احساس درد هم می‌شود (کاندنسکی، واسیلی). همین‌گونه، تأثیرات روانی رنگ سرخ نشان می‌دهد که این رنگ بر سیستم عصبی، اثر تحریک‌کننده دارد. فشار خون را بالا می‌برد و میزان تنفس و ضربان قلب را افزایش می‌دهد. رنگ سرخ سیستم عصبی، به خصوص بر اعصاب سیستماتیک اثر مهیج‌کننده دارد (سلام، ۱۳۸۳، ص ۹۶).

رنگ نارنجی

نارنجی رنگ شادی، رنگ جوانی و حتی رنگ اکثر میوه‌های تازه رسیده است. نارنجی رنگ شور و چون سنین میان ۹ تا شانزده سال است هیجان نارنجی از زرد کم‌تر است و اعتدال آن بیشتر در رابطه باخط، خطی است آزاد و متمایل به عمود می‌باشد هرگاه با نارنجی کمی خاکستری مخلوط شود رنگ باز نشستگی را پیدا می‌کند (آیت الله، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱).

زیادتر رنگ نارنجی مورد استفاده دختران بوده زیادتر جلب توجه می‌کند. هم‌چنان نارنجی متمایل با سرخ رنگی است که در پوسترها و اعلانات تبلیغاتی بکار می‌رود و رنگ‌های دیگر در آن بافت خوب داشته، مخاطب را به خود جلب می‌کند (آیت الله، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵).

رنگ سبز

رنگ سبز رنگ اعتدال و سرد است با سرخ متضاد بوده شدت نوری هردو معتدل و مساوی اند. در سرخ توان فعالیت و در سبز توان آرامش بیشتر است. سبز رنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندانه است. سبز نه چنان آبی سرد و آرام است و نه هم چنان هیجان آفرین و محرک، که باعث زیاده روی و تندخویی گردد و انسان را از حالت تعادل بیرون آورد. در قرآن کریم از رنگ سبز رنگ بهشتی یاد شده زیرا در بهشت درختان همه سبز اند و انعکاس دهنده ی آب های شفاف و زلال می گردد. رنگ سبز، رنگ آرامش، آسایش، صلح و صفا است نه آرامش خواب آور و نومیدکننده بلکه در آن آرامش فعال و پرامید نهفته است. سبز رنگ، صبر، شکیبایی، برده باری و پایداری است رنگ پایان بهار و آغاز تابستان است.

پروفسور (هیداکاکی شی جی و) در کتاب همنشینی رنگ های خود چنین می نویسد: سبز رنگ آرامش روستا، رنگ درختان و چمنزار است سبز روشن بهار و باروری را تداعی می کند و سبز پر رنگ زنگاری، مالیخولیایی و از هوش رفتگی را منتقل می کند. سبز سیر و نزدیک به یشمی، سکوت و عمیق یک جنگل انبوع کاج را به یاد می آورد (جی و، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

رنگ بنفش

بنفش رنگیست که از ترکیب سرخ و آبی پدید آمده رنگ سنین ۵۰ الی ۶۵ سالگی زنان می باشد. وقتی با خاکستری مخلوط گردد رنگ باز نشستگی جسمی پیدا می کند. این رنگ، در درون خود جوهر اندوه و خودگرایی دارد. بنفش ضمناً رنگ تعادل بوده فعالیت مجدد آن متصور است. در کشور چین کهن بنفش لباس عزاداران بوده است. هم چنان بنفش رنگ نا باوری، تردید و نفاق است. ظاهر زیبا و گیرا داشته، درونی غمناک و عقده ای دارد. بنفش و قهوه ای هردو رنگ خزان محسوب می شوند (آیت الله، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). به عقیده (داکتر هداکی شی جی و) بنفش رنگ دل فریبی است که از دیر باز رنگ ملکه ها بوده است، بنفش در طبیعت کم یاب بوده بیشتر در کارگاه های هنری یافت می شود. بنفش رنگ رازگونه ای بوده و در سالون های مد لباس خانم ها حضور فعال دارد (جی و، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

رنگ سفید

سفید سمبول پاکی، پاک دامنی، بی گناهی و صلح است. هم چنین نشانه ای است برای شفاخانه ها و آسایشگاه ها. سفید نشانه زمستان و یا برف است؛ اکثراً ظروف بسیار قیمت و تشریفاتی را سفید تولید می کنند (جی و، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴).

رنگ سیاه

سیاه رنگ شب و عزا است و به جادو و شیطان منتسب می‌شود. ظاهر وزین داشته‌اش اکثراً لباس سیاست‌مداران و هنرپیشه‌ها می‌باشد. این رنگ با ثروت و زیبایی نیز مرتبط است. مثلاً بعضی اوقات اشیاء خانگی کاملاً سیاه اشرافی به نظر می‌رسد (جی وا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴).

یافته‌های تحقیق

- رنگ‌ها هر کدام خصوصیات خاص خود را دارا می‌باشند، در این مقاله به یافته‌ها زیر رسیدیم:
- سفید رنگ متضاد سیاه است، از قدسیت، پاکی و پاک‌دامنی برخوردار است.
- سیاه رنگ متضاد سفید است، شب است عزاداران از آن استفاده می‌نمایند.
- آبی رنگ متضاد نارنجی است، آرام و درون‌گراست، رنگ فضا است.
- نارنجی رنگ متضاد آبی است، جوانی و شادی است، هیجان رنگ نارنجی از رنگ زرد کم‌تر است.
- سبز رنگ متضاد سرخ است، سرد و اعتدال است در سبزی توان آرامش زیاد است سبز رنگ تفکر و آرامش است.
- سرخ رنگ متضاد سبز است، توان و قدرت است، در رنگ سرخ نشاط، عشق دیده می‌شود.
- بنفش رنگ متضاد زرد است، در خود جوهر اندوه و خودگرایی دارد.
- زرد رنگ متضاد بنفش است، شدت نوری قوی دارد، رنگ زرد آزاردهنده ولی یک دست باشد شادی آفرین است.

مناقشه

در قرن بیست هنر رنگ‌درمانی دوباره متولد شد و امروز داکتران از رنگ‌ها به عنوان بخش روزمره‌ی کارخویش استفاده می‌نمایند. انسان‌ها تماماً دانش و تجربه خود را در جهان هستی به وسیله دو عنصر شکل و رنگ کسب می‌نمایند و هر گونه تحریکات رنگی توسط چشم دریافت می‌شود.

هیچ چیز در جهان رنگی نیست، بلکه نور باعث رنگ آن می‌شود. تأثیر رنگ‌ها آن قدر زیاد است که هرگاه یک شی وزن دار را اگر رنگ سیاه نماییم وزن آن برای شخص سنگینی به بار می‌آورد و اگر در عوض همان شی وزنی را رنگ روشن سبز نماییم، برای شخص وزن آن سبک‌تر معلوم می‌شود، هم‌چنان حشرات و دیگر حیوانات نیز از تأثیرات رنگ به دور نیستند، قسمی که دوگروه اسپ‌ها را در یک مسابقه دوش در نظر گرفتند بعد از انجام مسابقه‌ی یک گروه را در یک طویله که رنگ سرخ کرده بودند قرار دادند و گروه دیگر اسپ‌ها را در یک طویله که رنگ سبز قرار دادند با مقایسه این که

اسپ‌های که در طویله‌ی سبز قرار داشتند بعد مدتی راحت، آرام‌تر و سرحال‌تر به نظر رسیدن و در عوض گروه اسپ‌های که در طویله‌ی به رنگ سرخ قرار داشتند برعکس ناآرام‌تر، هیجانی‌تر و احساس راحتی نمی‌کردند. هم‌چنان اشخاصی که از رنگ آگاهی دارند، معمولاً در رنگ لباس و اتاق‌های خود در فصول سال متوجه این مسأله می‌باشند.

در فصل تابستان از رنگ‌های سرد استفاده می‌نمایند و در زمستان از رنگ‌های گرم در اتاق‌های شان استفاده می‌نمایند، در رنگ‌ها، رنگ زرد شدت نور قوی دارد که اکثراً شاهان چینیایی از این رنگ استفاده می‌نمودند و مردان مذهبی بودایی، شاهان مشرق‌زمین نیز از رنگ زرد در لباس‌های خود استفاده می‌نمودند که فریادگی و نیروی زیاد در آن احساس می‌شود. در بعضی حالت انسان‌ها را پرحرارت و فعال می‌سازد، به همین خاطر به رنگ زرد گرایش نشان می‌دادند و هم‌چنان در بیمارستان‌های غربی اشخاصی که به تکلیف‌های روانی دچار بودند، آن‌ها را از رنگ زرد به دور نگاه می‌داشتند. رنگ زرد آزاردهنده ولی وقتی یک دست باشد، شادی آفرین است ولی درخشندگی بیش از حد آن سبب خستگی در افراد می‌شود.

در عوض رنگ بنفش که متضاد رنگ زرد است این رنگ در خود جوهر اندوه و خودگرایی دارد. رنگ بنفش یک رنگ متعادل است؛ رنگ متضاد در مقابل رنگ زرد است. هم‌چنان در چین لباس عزاداران از رنگ بنفش استگ بنفش رنگ ناباوری و نفاق است، درون غم‌ناک و عقده‌یی دارد، رنگ دل‌فریب است. خانم‌ها به این رنگ زیاده‌تر علاقه‌مند هستند.

هم‌چنان رنگ سرخ نمایان‌گر توان قوت است؛ متضاد رنگ سبز است. دیدن رنگ سرخ گاهی برای چشم ناراحت‌کننده می‌باشد، برعکس سبز رنگ اعتدال است. سرد است. رنگ سرخ توان فعالیت و در رنگ سبز توان آرامش بیشتر است، در رنگ سرخ نشاط و عشق دیده می‌شود. در عوض سبزرنگ تعقل، تفکر و آرامش خردمندانه است؛ مثل سرخ هیجان آفرین نیست؛ سبز رنگ صبر و شکیبایی است؛ سبز رنگ بهشتی است که در قرآن کریم نیز ذکر شده است.

نارنجی رنگ جوانی و شادی است، در عوض آبی رنگ آرام درون‌گرا است. بیننده را در خود جذب می‌نماید، آبی رنگ فضا است. نارنجی رنگ هیجان است؛ هیجان نارنجی از رنگ زرد کم‌تر است. آبی رنگی است که خداوند آن را برای تسکین و آرامش برفراز کره‌ی خاکی آفریده است رنگ آبی چشم را تقویت می‌کند؛ در عوض نارنجی رنگ استفاده‌ی دختران است که زیاده‌تر جلب توجه می‌نمایند.

سفید رنگ پاک‌دامنی و تقدس است. با هر رنگ هم‌خوانی دارد. در عوض سیاه رنگ شب است و عزداران از آن استفاده می‌نمایند. مانند هر پدیده‌ی دیگر نظریات متفاوتی در این زمینه وجود دارد. چنان‌چه عبدالناصر صوابی یک‌تن از نقاشان شناخته‌شده‌ی کشور در تحلیل یک اثر بهزاد زیر نام «فرار یوسف از دست ذلیخا» خصوصیات بعضی رنگ‌ها را چنین بیان نموده است.

سرخ و سبز و به‌کارگیری رنگ در لباس‌های یوسف و ذلیخا این اثر را با مفاهیم روان‌شناسی و شخصیتی فیگورها پیوند داده و از تقابل شخصیت ذلیخا و یوسف پرده بر می‌دارد. رنگ سرخ رنگی است مادی، زمینی، سرشار از نیروی جاذبه‌ی جنسی بر تن ذلیخا می‌نشیند و در القای حرکت تهاجمی او نقش مؤثری می‌یابد و چون در سایر عناصر تصویر به‌کار رفته است، چشم را روی ذلیخا متمرکز می‌سازد. رنگ سبز که نشان دانش، ایمان تقدس دارد، برای جامه‌ی یوسف به‌کار رفته است. هم‌چنین سبز گوشه‌ی چپ بالا، تنها را نجات یوسف را نشان می‌دهد. جهت دست یوسف نیز چشم را به سوی آن در رو به آبی (نجات و آزادی) باز می‌شود و هدایت می‌کند، طلایی و سبز نیز به منظور بیان شکوه جلال و ثروت و برتری موقعیت ذلیخا و سبز برای مضمون معنوی داستان به‌کار گرفته شده است. این دو رنگ علاوه بر تزیینات دیوارهای قصر وسعتی بیشتر در سطوحی یک دست نیز دیده می‌شود، از سیاه برای تزیینات ساختارهای خطی، تصویر را بارزتر می‌سازد (صوابی، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

نتیجه‌گیری

در نتیجه حضور رنگ یک واقعیت و یک حقیقت است، انسان همیشه آن را در برابر خود عملاً می‌بیند، چه بخواند و چه نخواند، با آن سروکار دارد. فرضاً برای چند لحظه فکر کنیم که اگر رنگ در طبیعت وجود نداشته باشد، زندگی چگونه خواهد بود و چه لذتی از آن متصور خواهد بود. پس چه بهتر که رنگ از لحاظ شعوری رنگ، شناسایی شود و آگاهانه از آن بهره‌گیری صورت پذیرد و در زندگی روزمره، از آن استفاده به‌عمل آید و فیض برده شود. در مورد رنگ هر قدر تعمق صورت گیرد و توجه افراد جامعه جلب و سواد بصری بلند برده شود، به همان اندازه زندگی به طرف شان لب‌خند خواهد زد و در بلند بردن سلیقه‌ی شخصی و بالاخره در بلند بردن سطح فرهنگی و اجتماعی یک جامعه مؤثریت خود را خواهد داشت.

منابع

- آیت‌الله، الهی. (۱۳۸۲). مبانی نظری هنرهای تجسمی. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ سمت. صص ۶۰، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱.
- بیستونی، محمد. (۱۳۳۷). رنگ شناسی از دیدگاه قرآن.
- پارمون، حوزه. (۱۳۷۵). ترکیبات رنگ. ترجمه‌ی قاسم رویین. جلد دوم. تهران. انتشارات بهار. ص ۴۱.
- جی وا، هیداکشی شی. (۱۳۸۲). هم‌نشینی رنگ‌ها. ترجمه‌ی فرهاد ده‌دشتی شاهرخ. انتشارات کارنگ. صص ۲۴، ۲۵، ۱۲۴.
- حسینی‌زاده، عبدالحمید. (۱۳۸۴). مبانی هنرهای تجسمی. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی. ص ۱۱۹.
- سلام، محمد اکبر. (۱۳۸۳). پوهنیزه مجله. شناخت رنگ، نشریه‌ی پوهنتون کابل. ص ۹۶.
- سیدابوالقاسم، سیدصدر. (۱۳۸۳). دایرة‌المعارف هنر. انتشارات. سیمای دانش. چاپ اول، ص ۳۰۵.
- صوابی، ناصر. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آثار استاد کمال‌الدین بهزاد. هرات: اثر ترفیع علمی چاپ نشده.
- فولادوند، مهناز. (۱۳۸۷). بررسی نقش مایه‌های اسلامی و استفاده از آن‌ها در طراحی صحنه‌های تلویزیونی. مرکز تحقیقات صدا و سیما. ص ۲۵۹.
- کاندنسکی، واسیلی. معنویت در هنر. ص ۸۲.
- کیس، جنورگی. (۱۳۸۰). زبان تصویر. ترجمه‌ی فیروزه مهاجر. انتشارات سروش. ص ۳۳.
- نامی، غلام حسین. (۱۳۷۸). مبانی هنرهای تجسمی. انتشارات توس. چاپ دوم، صص ۸۱، ۸۲.